سبک پاکیزگی

طبیعت هم روح بزرگ هستی را در خود جای داده و لطف بزرگی به ما دارد. این رکن مهم هستی، در قبال تمام زحماتش از ما تنها یک چیز می‌خواهد، آن‌هم احترام و پاسداری است. ما می‌توانیم از تمام این‌ها بهره ببریم، ولی مراقبت از آن را از یاد نبریم. ولی ما واقعاً این وظیفه را انجام می‌دهیم؟! همین الان نگاه کنیم به پیرامون خود، چقدر در پاکیزه نگه داشتن آب و باد و خاک، تلاش می‌کنیم؟

چرا به محیط زیست احترام نمی‌گذاریم؟

رنج آب و خاک از دست آدم‌های ناپاک!

■ لیلا جعفری

«ما آب، خاک و هوا را آلوده نمی‌کنیم، چون این از فرهنگ ما دور است. طبیعت برایمان قابل احترام است، برای همین با پاک نگه داشتن آن مراقبش هستیم.» جمله‌ای که در بالا آورده شد، حتماً برایتان خوشایند است. وقتی نوشتمش برای خودم هم خوشایند بود. این سخنی از اجداد چندین هزار سال پیش از ماست. این روزها با آلودگی‌هایی که در شهرهای دنیا به وجود آمده است، این جمله و نظایر آن را باید با زر نوشت و به دیوارها آویخت. بهتر است چند دقیقه سکوت کنیم، فقط به این جمله نگاه و با زندگی کنونی خودمان مقایسه‌اش کنیم. چند دقیقه‌ای به این جمله نگاه و واژه به واژه‌اش را در ذهنمان حلاجی کنیم. آب، خاک، هوا...؛ این سه، پیرامون ما را در هستی تشکیل می‌دهند، پس احترامشان هم برای ما واجب است. مگر نه اینکه سپاسگزاری، از اصول نخستین انسانیت به شمار می‌رود، پس سپاسگزاری از طبیعت هم واجب است. در ادیان الهی این سپاسگزاری خیلی زیاد به چشم می‌خورد. به طور مثال در دین اسلام، مسلمانان برای سپاسگزاری از پروردگار که زندگی را با تمام نعمت‌هایش در اختیارشان قرار داده است، سه بار نماز می‌خوانند. در آیات زیادی از کتاب قرآن، به سپاسگزاران و قدرشناسان نعمت‌های الهی، وعده نعمت‌های بیشتر داده شده و به ناسپاسان، وعده از بین رفتن نعمت‌هایی که در اختیارشان است. برای نمونه در سوره قلم روایتی آمده است از باغدارانی که هنگام صبح برای برداشت ثمر خود به باغ‌هایشان می‌روند، ولی آنها به جای باغستان‌های خود با ویرانه‌هایی روبه‌رو می‌شوند که هیچ میوه‌ای ندارد. آفریدگار به دلایلی باغ آنها را به ویرانه تبدیل کرده بوده است. باغداران درباره آن در این سوره می‌گویند: خردمندترینشان گفت آیا به شما نگفتم چرا خدا را به پاکی نمی‌ستایید (۲۸) گفتند پروردگارا تو را به پاکی می‌ستاییم ما واقعاً ستمگر بودیم (۲۹) پس بعضی‌شان رو به بعضی دیگر آوردند و همدیگر را به نکوهش گرفتند (۳۰) گفتند ای وای بر ما که سرکش بوده‌ایم (۳۱) امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد زیرا ما به پروردگارمان مشتاقیم (۳)

باغداران در این سوره به این نتیجه می‌رسند که باید سپاسگزاری درستی از پروردگار خود می‌داشتند تا نعمتی که در اختیاشان است، از بین نرود.

■ **آب تلاشگر**

این در زندگی ما هم هست. طبیعت با سخاوت تمام، روز به روز نعمت‌های زیادی را در اختیار ما می‌گذارد، آب را با چرخه منحصر به فردی که دارد در زندگی ما به گردش درمی‌آورد. به صورت مایع، در رودها و دریاها و بافت بدن موجودات و خون و... می‌چرخاند. به صورت گاز، به شکل بخار، به صورت ابرها و رطوبت موجود در هوا که تنفس موجودات را راحت‌تر کند و باعث جلوگیری از خیلی از بیماری‌ها مانند انواع حساسیت‌های ناشی از خشکی هوا شود، آن را در اطراف ما پراکنده کرده است. همینطور به صورت جامد و به شکل منجمد، به صورت یخ‌های کوچک و بزرگی که در تمام دنیا از جمله یخچال‌های طبیعی کره زمین وجود دارد و باعث حفظ تعادل در دمای زمین و... می‌شود در هستی پابرجا کرده است. پس آب به خودی خود با سخاوت تمام به طور شبانه‌روزی در حال خدمتگزاری به موجودات روی زمین است. مولکول‌های هیدروژن و اکسیژن سازنده این ماده حیاتی که در فرمول H_2O خلاصه شده‌اند، با تمام ظرافت و لطافتی که دارند در حال سامان‌بخشی به حیات ما هستند. مولکول مولکول این ماده زندگی‌بخش که هیچ، اتم‌های بسیار کوچک آن هم بی‌وقفه همچون تراشه‌های برنامه‌ریزی شده خودکار، در حال تلاش و خدمت‌رسانی به ما موجودات هستند. با این تفاوت که توسط مغز بزرگ‌تری در هستی برنامه‌ریزی شده‌اند. این مغز بزرگ و بسیار مقتدر، شعور تمام‌نشدنی و بی‌اندازه پروردگار است.

■ **نقش خاک و باد در زندگی ما**

خاک با ذرات مواد معدنی که در خود جای داده و موجودات‌ریزی که در خود جای داده است، لحظه به لحظه بر حجم خاک می‌افزاید و به بارور شدن و استحکام یا غنی شدنش می‌افزاید. خاک موجودات را پذیرفته و می‌پذیرد، خواه در دل خود و خواه در روی خود. ما موجودات در خاک زندگی می‌کنیم یا روی آن راه می‌رویم. این طبیعت زندگی است که بخشی از خوراکمان را از خاک به دست بیاوریم و در آن پرورش بدهیم. چرخه مرگ تا تولد هر یک از ما موجودات زنده در خاک خلاصه می‌شود. پس ارتباط پیچ در پیچ ما با این رکن مهم در هستی غیرقابل انکار است. اینکه زمین را مادر بدانیم همانطور که در خیلی از آیین‌ها و ادیان آن را مادر می‌دانسته و می‌دانند، دور از ذهن نیست.

هوا با تنفس پاکی که در اختیار ما قرار می‌دهد تمام وظیفه‌اش را انجام نمی‌دهد. این بخش مهم از هستی، با بادها و نسیم‌هایی که می‌سازد و در زندگی ما به جریان می‌اندازد هم، لطف بزرگی را به ما موجودات می‌کند. باد جابه‌جایی افشانه‌ها و بذرها و گرده‌های زایشگر گیاهان و حتی تخم برخی جانداران ریز را انجام می‌دهد و بسیاری از کارهای دیگر که در این نوشته مجال پرداختن به آنها نیست. ماجرای خدمت‌رسانی هوا به موجودت آنقدر هست که بدون وجود آن شاید یک دقیقه هم نتوانیم زنده بمانیم. اینها یعنی ما به طور شبانه‌روزی از خدمت طبیعتی بهره می‌بریم که خالصانه و بی‌وقفه در یک سیستم خودکار فعالیت می‌کند. شاید در علم زیست‌شناسی این عناصر سازنده طبیعت را زنده ندانیم. مثلاً با نامگذاری مولکول به عنوان ذرات تشکیل‌دهنده آن، که نام ذرات تشکیل‌دهنده موجود غیر زنده است، آنها را بی‌جان فرض کنیم، ولی در واقعیت چطور؟ به راستی این سیستم‌ها بی‌جان هستند؟ به نظر من آب و باد و خاک موجودات زنده‌ای هستند که متوجه عملکرد ما موجودات می‌شوند. مصداق این را می‌توان در تصاویری که از مولکول‌های آب در حالت‌های مختلف گرفته شده فهمید.

■ **انتظاری که طبیعت از ما دارد**

ماسارو ایموتو، نویسنده و محقق ژاپنی در این‌باره تحقیقات جالبی را انجام داده است که نظر مردم دنیا را به خود جلب کرده است. او توانست با القای کلمات مثبت و منفی به آب، و عکاسی از مولکول‌های آن، پس از این القائات، تصاویر متفاوتی را از شکل مولکول‌های آب به دست بیاورد. در عکس‌هایی که او از این مولکول‌ها گرفت، متوجه شد که این مولکول‌ها با دریافت واژه‌ها و حتی نیروها و نگاه‌های مثبت، شکلی زیبا و در مواجهه با نیرو و بیان یا نگاه منفی، شکلی نازیبا و ناموزون پیدا می‌کنند.

پس می‌توان گفت که طبیعت روح دارد. طبیعت هم روح بزرگ هستی را در خود جای داده، و لطف بزرگی به ما دارد. این رکن مهم هستی، در قبال تمام زحماتش از ما تنها یک چیز می‌خواهد، آن‌هم احترام و پاسداری است. ما می‌توانیم از تمام این‌ها بهره ببریم، ولی مراقبت از آن را از یاد نبریم. ولی ما واقعاً این وظیفه را انجام می‌دهیم؟! همین الان نگاه کنیم به پیرامون خود، چقدر در پاکیزه نگه داشتن آب و باد و خاک، تلاش می‌کنیم؟

■ **کجای کارمان ایراد دارد؟**

اگر سیگار می‌کشیم، خودرویمان سوخت مناسبی ندارد یا سیستم سوخت و ساز آن دچار مشکل شده است، اگر توی خیابان و هر زمین دیگری در این هستی، زباله روی زمین و خاک می‌ریزیم، اگر در آب‌ها و رودها و حتی جوی کنار خیابان زباله‌ای می‌اندازیم، پس یک جای کارمان ایراد دارد. این رنجی است که آب و خاک از دست آدم‌های ناپاک می‌کشند.

شخصاً با افرادی برخورد کرده‌ام که ریختن زباله در خیابان‌ها و... برایشان کار بی‌اهمیتی بوده است. جالب اینکه بیشتر این افراد دارای تحصیلات بالا یا حتی موقعیت اجتماعی بالایی هم بوده‌اند، ولی به راحتی از خودروی شخصی خود پسماند خوراک یا چیزهای دیگر را بیرون می‌انداختند. با شناختی که از زندگی برخی از آنان داشتم، این را دریافته بودم که در زندگی شخصی‌شان هم وظایف مهم زندگی‌شان را به درستی انجام نمی‌دادند. این را بارها دیده‌ام و تجربه کرده‌ام. همین الان بنشینیم و با دقت این مورد را در خودمان بررسی کنیم. اگر زباله در جاهایی می‌ریزیم که مخصوص خاکروبه و زباله نیست، به رفتارهای دیگرمان هم دقیق شویم. ممکن است هم‌اکنون حقوق دیگری را هم که به ما مربوط می‌شود، ضایع می‌کنیم و در واقع از بین می‌بریم.

نریختن زباله و پسماند یک مسئله شخصی نیست، به همه مربوط می‌شود. یک موضوع همگانی است. پس کسی نمی‌تواند بگوید که به خودم مربوط است. اگر اینطور نبود که برایش جریمه و مجازات درنظر نمی‌گرفتند. در بسیاری از کشورهای جهان، دولت‌ها برای اینکه مردم را وادار به پاکیزه نگه داشتن شهرها و خیابان‌ها کنند، جرایمی را به این منظور در نظر می‌گیرند. ایجاد قانون‌هایی در این‌باره به مردم کمک می‌کند تا در محیط سالم‌تری زندگی کنند. شاید اعمال این قانون‌ها در برخی از این کشورها با کوتاهی‌هایی همراه باشد ولی هرچه هست و هرگونه که اجرا می‌شود، نشان از اهمیت این قضیه و همگانی بودن آن دارد. ایران نیز در این‌باره بیکار ننشسته و قانون‌هایی را درباره زباله‌ریزی مردم در کوچه و خیابان تدوین کرده است. برخی از این قوانین برابر ماده ۲۰۶ قانون آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی است. طبق این قانون، ریختن هرگونه آشغال، زباله، مایعات، نخاله مصالح ساختمانی، شیء و آب دهان از درون خودرو به سطح معابر تخلف و ممنوع شمرده شده است. قانونگذار انحراف وسایل نقلیه در حال حرکت از مسیر اصلی را دلیل اصلی این قانون دانسته و جریمه‌ای نقدی را برایش در نظر گرفته است.

■ **پاکیزگی را جدی بگیریم**

بسیاری از ما ممکن است به این فکر نکنیم که این قانون‌ها یک پیام بزرگ دارد، اینکه: اگر پاک نمی‌کنیم، دست‌کم آلوده هم نکنیم. این مشکل نه تنها در بسیاری از کوچه‌ها و خیابان‌ها وجود دارد که حتی در داخل بسیاری از آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی هم به چشم می‌خورد. مثالی در این‌باره می‌آورم که شاید شما هم با آن برخورد کرده باشید. دوستی دارم که در یکی از مجتمع‌های مسکونی سکونت دارد. این دوست وقتی با هزار مشکل و سختی واحد آپارتمانی‌اش را از سازنده بنا تحویل گرفت، خیلی خوشحال بود. روزی که خانه را گرفت و برای زندگی به آن نقل مکان کرد را به یاد دارم.

با من تماس گرفت و زندگی جدیدش را در خانه جدید، به من خبر داد. آن روز که شماره ناشناسی را روی گوشی همراهم دیدم، و پس از پاسخ دادن به آن دریافتم که شماره خانه تازه دوستم است، برایم غیرمنتظره بود. می‌دانستم که دوستم با سختی زیاد و گرفتن وام و صرف تمامی پس‌اندازش و صرف نیرو و زمان زیادی آن را خریده است و از اینکه می‌دیدم که بالاخره توانسته است در آن ساکن شود، خیلی خوشحال شدم. آن روز از صمیم دل به او تبریک گفتم، تا اینکه مدتی گذشت. آرزوی دوستم این بود که بتواند در خانه‌ای که با سختی فراهمش کرده است، خوشحال باشد و زندگی خوبی داشته باشد. همینطور هم بود. ولی این خوشحالی دیری نپایید که به ناراحتی تبدیل شد. او تا مدتی با خوشحالی و ذوق و شوق فراوان در آنجا زندگی می‌کرد و شاد بود که کم‌کم متوجه شد برخی از همسایه‌های ساکن در واحدهای دیگر ساختمان، کیسه پسماند خانه را از پنجره درون حیاط مجتمع پرتاب می‌کنند. این کار نه تنها بوی بدی را داخل حیاط پخش می‌کرد که باعث خرابی گلدان‌ها و گیاهان درون باغچه هم می‌شد. بوی آزاردهنده زباله‌ها از پنجره باز آپارتمان دوستم می‌گذشت و وارد اتاق‌هایش می‌شد. او با اینکه با اشتیاق و ذوق زیادی وارد خانه‌اش شده بود ولی دیگر دلش نمی‌خواست که حتی یک لحظه هم در آنجا بماند. این مشکل حتی با وجود دوربین‌های مداربسته ساختمان هم حل نشد. چون به درستی مشخص نشد که خاطی اصلی چه کسی است. دوست من تصمیم گرفت آن خانه را رها و به جای دیگری نقل مکان کند، برای همین ضرر و خسارت زیادی را متحمل شد. وقتی به او و اتفاقی که برایش افتاد فکر می‌کنم، می‌بینم که دوست من چیزی نمی‌خواست جز تمیزی و پاکیزگی. او نه تنها آپارتمان را آلوده نمی‌کرد که به آنجا رسیدگی هم می‌کرد. او در واقع از همسایگانش می‌خواست که اگر به پاکی و زیبایی آنجا کمک نمی‌کنند، دست‌کم آلوده‌اش هم نکنند، تا او هم بتواند در خانه دلخواهش به راحتی زندگی کند. اینکه پس از آن چه اتفاقاتی در آن خانه افتاد و اینکه همسایه‌های خطاکننده، توانستند راحت به تخلفاتشان ادامه بدهند یا نه را نمی‌دانم، ولی این را می‌دانم که عامل به وجود آمدن مشکلاتی در زندگی دوست من و برخی همسایگانشان شدند. این مشکل آنقدر زندگی دوست من را به چالش کشاند، که تا مدت‌ها غصه‌دار بود. چون هنوز وام‌هایش را نپرداخته بود که مجبور به جابه‌جایی دوباره شد. شاید هنوز هم آن افراد ندانند که چه دردسرهایی را برای دوستم و بقیه همسایگانشان به وجود آورده‌اند، ولی جای خالی او را با آن گلدان‌های زیبایی که در حیاط چیده بود خالی می‌بینند. دیگر اگر کیسه‌های زباله‌شان را به جای آنکه از پله‌ها پایین آورده و درون سطل پسماند شهری بریزند، از آن بالا درون حیاط پرتاب کنند و با این کار گل‌های درون باغچه‌ها را که دوستم با دست خودش کاشته بود، خراب کنند، کسی نیست که آنها را سامان بدهد و زیبایی را به ساختمان هدیه کند. این ناپاکی و نازیبایی جریمه واقعی کار آنهاست که با سخاوت تمام از عملکرد خودشان دریافت می‌کنند.

هوا با تنفس پاکی که در اختیار ما قرار می‌دهد تمام وظیفه‌اش را انجام نمی‌دهد. این بخش مهم از هستی، با بادها و نسیم‌هایی که می‌سازد و در زندگی ما به جریان می‌اندازد هم، لطف بزرگی را به ما موجودات می‌کند. ما به طور شبانه‌روزی از خدمت طبیعتی بهره می‌بریم که خالصانه و بی‌وقفه در یک سیستم خودکار فعالیت می‌کند. شاید در علم زیست‌شناسی این عناصر سازنده طبیعت را زنده ندانیم. مثلاً با نامگذاری مولکول به عنوان ذرات تشکیل‌دهنده آن، که نام ذرات تشکیل‌دهنده موجود غیر زنده است، آنها را بی‌جان فرض کنیم، ولی در واقعیت چطور؟ به راستی این سیستم‌ها بی‌جان هستند؟ آب و باد و خاک موجودات زنده‌ای هستند که متوجه عملکرد ما موجودات می‌شوند

■ **با کلام ناپاک به جنگ ناپاکی نرویم**

از هر دست بدهی از همان دست پس می‌گیری. این تمام مفهومی است که ما حتی هنگام ریختن زباله در جاهایی که حق ریختن آن را نداریم باید در نظر بگیریم. گاهی برخی از مردم در واکنش به این رفتارهای غیراخلاقی ناسزا می‌گویند یا روی برخی از مکان‌ها که تبدیل به محل ریختن زباله اهالی محل شده است، شعارهای توهین‌آمیز می‌نویسند. شاید این افراد بتوانند با جملات بهتر و مناسب‌تری به جای توهین و لعنت، از دیگران بخواهند که باعث آلودگی آن محل نشوند، ولی مهم این است که این افراد با تولید آلودگی، باعث به وجود آمدن آلودگی حتی در کلام دیگری هم شده‌اند چون به نظر من ناسزا هم آلودگی کلام به شمار می‌رود. پس همه باید به زباله‌ها و نریختن آن در جاهایی که مخصوص زباله نیست فکر کنیم. شاید بهتر باشد توجه و احترام به مردم و طبیعت را از مولکول‌های آب، خاک و باد بیاموزیم.

سبک رفتار

تمرینی برای مردم زباله‌ریز

نظافت شهر فقط بر عهده رفتگر نیست

■ خاتون تهرانی

وقتی در خیابان‌های شهر راه می‌روم دردی را در قلبم احساس می‌کنم. این درد برگرفته از دیدن فرهنگی است که زیر پاهای من و مردم خرد می‌شود و چرق چرق صدا می‌کند. این درد تنها در برخی شهرهای دنیا نیست که بر دل مردم می‌نشیند، حتی در بیابان‌ها و کوهساران و کنار برخی قسمت‌های ساحلی هم ممکن است دیده شود و قلب آدمی را به درد آورد. این رنجش همین امروز در خاطرم تکرار شد. وقتی که در پیاده‌روی پایتخت کشورم ایران، در حال قدم زدن بودم ته‌مانده سیگاری که هنوز روشن بود و دودش به هوا می‌رفت جلوی پایم افتاد. مورچه‌ها که مثل نقطه‌های سیاه به نظر می‌رسیدند، به سرعت از اطراف آن دور می‌شدند. سیگار خاموش شد، در حالی که دو سه مورچه دیگر مظلومانه در کنارش جزغاله شده بودند. دیدن این منظره ناراحتم کرد. مردی که لحظاتی پیش آن را روی زمین انداخته بود، کنار دستگاه آب‌سردکنی کنار خیابان ایستاد تا جرعه‌ای آب خنک بنوشد. انگار خودش هم نمی‌دانست که همین چند ثانیه پیش چه کاری انجام داده است!

بارها سوار بر خودرویی شده‌ام که مسافرانش بی‌اعتنا به فرهنگ شهرنشینی و موازین انسان‌دوستی، زباله‌ای را که در دست داشته‌اند از پنجره بیرون انداخته‌اند.

بارها در اتوبوس و قطارهای متروی شهری شاهد این بوده‌ام که مردم برای تمیز نگه داشتن محیط داخلی کیف و وسایل شخصی خود، دورریزهای آنها را درون اتوبوس یا قطار انداخته‌اند و حتی کیف و نایلونی را که در دست داشته‌اند در آنجا تکانده‌اند تا تمیز و مرتب شود.

بارها شاهد دور ریختن زباله مردم در بیرون از شهرها بوده‌ام که به راحتی پسماند خوراکی یا چیزهایی را که همراه داشته‌اند، در بیابان و ساحل و... رها کرده‌اند.

اگر احتمالاً شما عزیزی که این نوشته را می‌خوانید عملکردتان در زندگی مثل این افراد باشد یا با این دسته از افراد برخورد کرده باشید حتماً وقتش رسیده است که به این نکته کمی توجه کنید.

چند روز پیش در خیابان‌های پایتخت، رفتار دو نوجوان توجه مرا جلب کرد. هر دو بستنی در دست داشته و در حال باز کردن آن بودند. روکش بستنی‌شان را باز کرده و آن را در پیاده‌راه رها کردند. سطل پسماند بزرگی کنار پیاده‌رو بود، ولی آن دو به آن سطل توجهی نکردند. وقتی به آنها اعتراض کردم که ریختن زباله در خیابان کار درستی نیست، یکی از آنها چیزی گفت که برایم جالب بود.

آن پسر نوجوان که با یک دست دوچرخه و با دست دیگرش بستنی چوبی را در دست داشت گفت: «وظیفه من نیست که به این چیزها فکر کنم، من می‌توانم آشغال توی خیابان بریزم، وظیفه رفتگر است که اینها را جمع کند، مگر رفتگرها برای همین پول نمی‌گیرند؟»

این نگاه از یک پسر ۱۵-۱۴ ساله برایم حیرت‌انگیز بود. این نوجوان با خودش فکر می‌کرد که می‌تواند بریزد و کثیف کند و شخصی هم موظف است که آن کثیفی‌ها و ریخت و پاش‌ها را جمع کند، چون بابتش پول می‌گیرد. اگر کمی دقت کنیم، می‌بینیم که این نگاه در بیشتر ما آدم‌ها هست. اینکه دیگری وظیفه دارد کاری را انجام بدهد، پس من باید تنها به خودم فکر کنم و به دیگران کاری نداشته باشم؛ اینکه ما به محدوده خودمان فکر کنیم و دیگران را بابت انجام تکلیف موظف بدانیم.

درست است که هر کسی مسئولیتی دارد و بابت وظایفش هم دستمزدی دریافت می‌کند، ولی این دلیل نمی‌شود که به خاطر تعریفی که ما برای شغل دیگران در نظر می‌گیریم، مسئولیت خودمان را نادیده بگیریم. این نگاه که من می‌توانم مسئولیت خودم را بر عهده کسی بیندازم که به خاطرش پول می‌گیرد، مشکل‌ساز است. این فکر مخرب است. می‌تواند جامعه را به قهقرا بکشاند. وقتی به راحتی زباله می‌ریزیم و جایی را آلوده یا ناپاک و کثیف می‌کنیم، در واقع حقوقی را برای خودمان قائل می‌شویم. به نظر می‌رسد که این حقوق، برگرفته از من خودپرست یا خودخواه ما است. به خودمان حق می‌دهیم که آلوده کنیم، چون دیگری مسئول پاک کردن آنهاست. در لحظه انجام این کار شاید حواسمان هم به این موضوع نباشد، شاید خیلی آدم‌های مهربانی باشیم، ولی در آن لحظه ندانیم که در حال یک رفتار خودخواهانه هستیم. انگار دنیا برای من است و هر کاری که بخواهم با آن انجام می‌دهم و در این رابطه حتی به قوانین شهری و اجتماعی و انسانی هم توجهی ندارم. هر بلایی که دلم بخواهد بر سر دنیایم خواهم آورد.

اینکه در ادیان مختلف به پاک بودن توجه زیادی شده است شاید اشاره به همین پاکی نفس هم داشته باشد. در اسلام گفته می‌شود که نظافت نشانه ایمان است، ایرانیان باستان به لباس با رنگ روشن اهمیت زیادی می‌دادند و هم‌اکنون نیز زرتشتیان در نیایشگاه‌های خود لباس با رنگ روشن یا سفید می‌پوشند، وقتی امام دوم شیعیان، حسن پسر علی(ع) به دنیا آمد، پیامبر اسلام(ص)، به زنان تأکید کرد که جامه زردرنگ را از دور نوزاد گرانقدر درآورده و به جای آن لباس سفید بر تن او کنند، تا آلودگی را به وضوح نشان بدهد.

اینها همه نشان از اهمیت پاکی و نظافت است. شاید همه ما در زندگی خود یک، چندین، یا بارها از این دست اشتباهات کرده باشیم و دورریزهای خود را درون کوچه‌و خیابان رها کرده باشیم، بنابراین شاید لازم باشد تمرینی را در این‌باره انجام بدهیم.

هربار که می‌خواهیم زباله‌ای را در جایی رها کنیم، تصور کنیم که آن را در برابر مهمان خود در خانه انداخته‌ایم. فکرش را بکنید، ظرف زیبایی که در آن شیرینی چیده‌اید را در برابر مهمان گذاشته باشید، در ظرف دیگری خوردنی دیگری مانند میوه و لیوانی هم نوشیدنی در کنار آنها. سپس در حالی که شما و مهمان لبخند بر لب دارید و درگیر تعارفات معمول هستید، به یکباره نایلون یا پاکت خوردنی‌ها را رو به روی مهمان بیندازید. این کار شما چه حسی به مهمان می‌دهد؟ حالا تصور کنید که در جایی مهمان هستید و این کار را با شما انجام بدهند، در این صورت چطور؟ چه احساسی پیدا می‌کنید؟ مگر غیر از این است که آشفته می‌شوید، عصبانی می‌شوید یا احساس می‌کنید که به شما توهین و بی‌احترامی شده است؟

رفتگر مسئول ناپاکی‌های ما نیست. با انداختن دورریزها در جاهایی که مخصوص این کار نیست، در حال توهین به دیگران هستیم. شاید وظیفه همه ما باشد که برای زباله نریختن مردم در مکان‌های مختلف، تمرین‌هایی را طراحی و به افرادی که زباله‌ریز هستند، معرفی کنیم. باید بیندیشیم تا تمریناتی بسازیم که به ما بیاموزد آلوده کردن، دور از انسانیت است

ما هر بار که زباله‌ای را در جایی می‌اندازیم، دقیقاً همین توهین و بی‌احترامی را به دیگران داریم. این تمرین را شاید باید تا جایی ادامه بدهیم که بیاموزیم رفتگر مسئول ناپاکی‌های ما نیست. با انداختن دورریزها در جاهایی که مخصوص این کار نیست، در حال توهین به دیگران هستیم. با درک این توهین فکر نمی‌کنم که دیگر کسی پیدا شود که این کار را انجام بدهد. باور کنید، برای ترک هر عادتی تمرینی لازم است. شاید وظیفه همه ما باشد که برای زباله نریختن مردم در مکان‌های مختلف، تمرین‌هایی را طراحی و به افرادی که زباله‌ریز هستند، معرفی کنیم. باید بیندیشیم تا تمریناتی بسازیم که به ما بیاموزد آلوده کردن، دور از انسانیت است.